

## مقدمه

شرکتهای فراملیتی، شرکتهایی هستند که تولید و فعالیتهای مربوط به آن را در بیش از یک کشور سازماندهی و کنترل می کنند. البته این شرکتها تنها شرکتهایی نیستند که در خارج از کشور خود سرمایه گذاری می کنند. امروزه میلیونها شرکت کوچکتر در چندین نقطه جهان به فعالیت مشغولند. اما آنچه شرکتهای فراملیتی را در اقتصاد جهانی مهم جلوه می دهد، اندازه، دامنه فعالیت، قدرت اقتصادی و تأثیرات سیاسی آنهاست. (۶)

شرکتهای فراملیتی، در شکل امروزی خود، عمدتاً از بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمدند. البته مدتها قبل از آن، شرکتهای بین المللی بزرگ، نه تنها از نوع تجاری مانند کمپانی هند شرقی و یا کمپانی هودسن بی و غیره، بلکه از نوع شرکتهای تولیدی امروزی وجود داشت. در سال ۱۸۶۰ شرکتهایی به وجود آمدند که فراسوی مرزهای ملی خود آغاز به تولید کردند. شرکتهایی نظیر «اینترنشنال هاروستر»، «وستینگهاوس الکتریک» و «ژیلت» و غیره در آن دوران، صاحب کارخانجات تولیدی در سایر کشورها بودند. (۲)

از نظر پاره ای از متفکران، پیدایش این شرکتهای، ادامه همزمان روندی است که سرمایه داران را، از طریق رقابت آزاد، به سوی استفاده از منابع ارزان مواد اولیه و نیروی کار ارزان در کشورهای توسعه نیافته کشاند، تا از یک سو، مواد اولیه مورد نیاز صنایع خود را تأمین کنند و از سوی دیگر بازارهای این کشورها را برای فروش محصولات خود با دست آورند. چنانکه با شروع بحران اقتصادی در دهه ۷۰ نیز این شرکتهای با هدف بهره گیری از نیروی کار ارزان و به دست آوردن بازارهای جدید، نقش مهمی را در انتقال فعالیتهای تولیدی به کشورهای دیگر ایفا کردند. (۱)

شرکتهای فراملیتی با به وجود آوردن یک شبکه تولید و توزیع جهانی، توانستند به سودآوری فوق العاده دست یابند و با ادغام افقی و عمودی سودآوری خود را افزایش دهند. ادغام افقی شامل ادغام با رقبا (JOINT VENTURE) است که در این صورت شرکتهای فراملیتی می توانند قدرت انحصاری خود را حفظ کرده و آن را تقویت کنند و محصولات خود را با شرایط و سلیقه های محلی هماهنگ

## شرکتهای فراملیتی

## ابزار توسعه

سعیدرضا سهیلی

sr\_soheily@hotmail.com

## چکیده

مهمترین عامل سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)، شرکتهای فراملیتی هستند.

ذهنیت منفی نسبت به سرمایه گذاری کشورهای خارجی در کشورمان که از تجربه ناموفق تاریخی در این زمینه ناشی می شود، موجب قطع همکاری کشور با شرکتهای فراملیتی (به جز در زمینه های خاص مانند نفت) شده است. این در حالی است که در سالهای اخیر، بسیاری از کشورها از سرمایه گذاری مستقیم خارجی که از مزایای بسیاری نسبت به انواع دیگر سرمایه گذاری برخوردار است، برای توسعه و پیشرفت کشور خود استفاده کرده اند. تجربه موفق برخی از کشورهای در حال توسعه مانند چین، کره جنوبی و هند که در بیست سال اخیر توانسته اند با اتخاذ سیاستهای مناسب، اهداف توسعه طلبانه شرکتهای فراملیتی را بر هدف توسعه کشورشان منطبق کنند، به روشنی گویای این واقعیت است.

در این مقاله ضمن معرفی شرکتهای فراملیتی و جایگاه آن در تجارت جهانی، با توجه به روندهای اخیر، به تشریح نقش آنها در رشد برخی از شاخصهای مهم توسعه مانند سرمایه گذاری، کمیت و کیفیت اشتغال و رقابت پذیری صادرات، در کشورهای در حال توسعه پرداخته شده است. به عنوان تکمیل بحث نیز برخی از راهکارهای ممکن برای بهره گیری از این شرکتهای برای توسعه کشورمان مطرح گردیده است.

سازند. ادغام عمودی ششامل ادغام با تامین کنندگان و توزیع کنندگان است که در این صورت شرکتهای فراملیتی می توانند از عرضه مواد خام خارجی خود و سایر کالاهاى واسطه جهت رهایی از کمبودهایی که معمولاً در بازارهای خارجی وجود دارد مطمئن شوند و همچنین شبکه کارآمدتری برای توزیع و ارائه خدمات خود فراهم کنند.

### شرکتهای فراملیتی چقدر بزرگند؟

گزارش آماری که اخیراً توسط آنکتاد در مورد مقایسه کشورهای و شرکتهای منتشر شده است به روشنی بزرگی شرکتهای فراملیتی را نشان می دهد. (۷) در این گزارش ترکیبی از صد کشور و شرکت فراملیتی به ترتیب ارزش افزوده ایجاد شده توسط آنها لیست شده است. با نگاهی به این ۱۰۰ نهاد اقتصادی اول دنیا مشاهده می شود که ۲۹ عدد را شرکتهای فراملیتی تشکیل می دهند.

درصد شرکتهای اکسون موبایل (EXXON MOBILE) با ایجاد ارزش افزوده ۶۳ میلیارد دلار از پاکستان پیشی گرفته است و کمپانی فورد (FORD) ارزش افزوده بیشتری نسبت به کشورهای نیجریه، کویت، یا اوکراین ایجاد کرده است.

ارزش افزوده ۱۰۰ شرکت فراملیتی بزرگ دنیا در سال ۲۰۰۰، معادل ۴/۳ درصد تولید ناخالص داخلی کل کشورهای دنیا برآورد شده است. در سالهای اخیر، رشد ارزش افزوده شرکتهای بیش از کشورهای بوده است.

این ارقام حاکی از آن است که اهمیت شرکتهای فراملیتی در اقتصاد جهانی رو به افزایش است و مرزبندی اقتصادی در آینده براساس شرکتهای خواهد بود نه کشورها.

### شرکتهای فراملیتی و کشورهای در حال توسعه

وقوع تحولات مختلف، زمینه های توسعه را در سه دهه اخیر به شدت تغییر داده است. از مهمترین این تحولات، مرکزیت یافتن تولید و نشر دانش برای توسعه است. این دانش تنها شامل دانش فناوری نیست، بلکه بخش مهمی از آن را دانش سازماندهی، مدیریت و روابط درون و برون سازمانی تشکیل می دهد. تحول مهم دیگر کوچک شدن فضای

### مرزبندی اقتصادی در آینده براساس شرکتهای خواهد بود نه کشورها.

### مفهوم رقابت پذیری در صادرات به سرعت در حال تغییر است.

۲۰۰۱، ۴۸ درصد کل صادرات چین را برعهده داشته اند. درعین حال، مزیتهایی چون بازار بزرگ داخلی و نیز وجود شبکه های تامین و کلاسسترهای عظیمی که توانایی دادن دامنه وسیعی از سرویسها را به شرکتهای فراملیتی دارند، به این کشور در جذب سرمایه گذاری خارجی کمک شایانی کرده است.

با عنایت به روندهای اخیر، در ادامه به تاثیرات شرکتهای فراملیتی بر چند شاخص مهم توسعه یعنی سرمایه گذاری، اشتغال و رقابت پذیری صادرات در کشورهای در حال توسعه پرداخته می شود.

### افزایش سرمایه گذاری

اهمیت شرکتهای فراملیتی به خاطر سرمایه گذاری آنها به صورت سرمایه گذاری خارجی در کشورهای جهان است. در واقع، بخش بزرگی از سرمایه گذاری خارجی ورودی به کشورها مربوط به شرکتهای چندملیتی است. اما آنچه در این قسمت مورد توجه قرار گرفته است، این است که جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی تنها بخشی از تامین مالی توسط شرکتهای مرتبط در کشور میزبان است. سرمایه گذاری مستقیم خارجی یک روش «داخلی» در سیستم شرکتهای فراملیتی برای تامین مالی است که

اقتصادی به علت پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات است که نتیجه مستقیم آن افزایش و تشدید رقابت بین شرکتهاست. کوتاه تر شدن عمر محصولات، انعطاف پذیری در پاسخ به نیاز مشتری و مشتری گرایی، به تغییر طبیعت رقابت پذیری منجر شده است و این مسئله کشورها را به بازسازی مزیتهای رقابتی خود واداشته است.

درک نیازهای فوق، همراه با گسترش خصوصی سازی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به تدریج موجب تغییر سیاست بسیاری از این کشورها در مورد سرمایه گذاری خارجی شد؛ به طوری که بسیاری از دولتها که تا بیست سال گذشته، به شرکتهای فراملیتی به عنوان بخشی از «مشکل توسعه» می نگریستند، امروزه به آنها به عنوان «راه حل» می نگرند.

طی سالهای اخیر، بسیاری از کشورهای در حال توسعه توانسته اند با افزایش توانایی مدیریت دولت خود و اتخاذ سیاستهای مناسب، از همکاری با شرکتهای فراملیتی در جهت توسعه خود بهره ببرند. از جمله این کشورها چین، کره جنوبی، هند، مالزی، سنگاپور و مکزیک هستند.

به عنوان نمونه در چین، بخش مهمی از صادرات توسط شرکتهای مرتبط خارجی انجام می گیرد؛ به طوری که این شرکتهای در سال

معمولاً از شرکت مادر یا درآمد‌های به دست آمده ناشی می‌شود. اما شرکتهای مرتبط از منابع خارجی (خارج از سیستم خود) مانند بازار سرمایه کشور میزبان یا بازار سرمایه بین‌المللی نیز استفاده می‌کنند.

به طور نمونه همان‌طور که آمار شرکتهای چند ملیتی آمریکایی نشان می‌دهد، سرمایه ورودی به کشورها از این منابع اضافی گاهی نزدیک به سرمایه‌گذاری خارجی وارد شده توسط این شرکتهاست. به طوری که در فاصله سالهای ۱۹۹۶ - ۱۹۹۱ نسبت کل ارزش سرمایه از منابع خارجی به سرمایه‌گذاری خارجی خروجی از ایالات متحده ۸۵ درصد بوده است. به عبارت دیگر، ورود سرمایه به کشور میزان به علت وجود شرکتهای مرتبط، نزدیک به ۲ برابر جریان سرمایه‌گذاری خارجی بوده است.

در این میان تفاوت‌هایی نیز بین کشورها وجود دارد. برای نمونه، به نظر می‌رسد شرکتهای در کشورهای میزبان در حال توسعه، برای تامین منالی بیشتر به شرکتهای مادر وابسته باشند. مقایسه نسبت تامین مالی خارجی (غیر سرمایه‌گذاری خارجی) به سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای برزیل (۱۰ درصد) و مکزکی (۱۳ درصد) در مقابل آلمان (۵۶ درصد) و فرانسه (۵۷ درصد) این مطلب را نشان می‌دهد.

### کمیت و کیفیت اشتغال

شرکتهای فراملیتی به عنوان منابع سرمایه، فناوری و سازمان دهنده فعالیتهای اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، نقش مهمی را در ایجاد فرصتهای اشتغال و افزایش کیفیت آن به عهده دارند. این شرکتها علاوه بر ایجاد فرصتهای اشتغال مستقیم، با ایجاد پیوندهای روبه عقب و جلو به شرکتهای محلی، به طور غیرمستقیم نیز در به وجود آوردن اشتغال در کشور میزبان موثرند. در این قسمت ضمن ارائه آمار از اشتغال ایجادشده توسط این شرکتها در جهان و کشورهای در حال توسعه، نقش آنها را در افزایش کیفیت اشتغال مورد بررسی قرار می‌دهیم.

نگاهی به اشتغال شرکتهای فراملیتی در جهان: علی‌رغم گستردگی شرکتهای فراملیتی و سهم قابل توجه آنها در تولید کالا در جهان، این

شرکتها تنها ۳ درصد نیروی کار جهان را در اشتغال خود دارند. نزدیک به  $\frac{1}{4}$  این نیروها در شرکتهای مادر که عمدتاً در کشورهای توسعه یافته هستند، متمرکز شده‌اند و بخش دیگر در شرکتهای مرتبط خارجی به فعالیت مشغولند. علت کوچک بودن سهم شرکتهای فراملیتی در اشتغال مستقیم در کشورهای مادر و میزبان را می‌توان سرمایه و فناوری - بر بودن فعالیتهای آنها دانست.

شرکتهای فراملیتی و اشتغال در کشورهای در حال توسعه: در کشورهای در حال توسعه نیز اشتغال مستقیم در شرکتهای مرتبط خارجی ناچیز و تنها ۲ درصد کل نیروی کار در اکثر این کشورهاست. اما در عین حال این شرکتها به طور متوسط بیش از  $\frac{1}{4}$  نیروی کار در بخش تولید را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به خود اختصاص داده‌اند. از جمله آنها می‌توان به چین، هنگ کنگ، مالزی، اندونزی، سنگاپور، تایوان و ویتنام اشاره کرد. به عنوان نمونه در سال ۹۷، ۲۲/۵ درصد از نیروی کار هنگ کنگ و ۵۲/۳ درصد از نیروی کار سنگاپور در بخش تولید در شرکتهای مرتبط با شرکتهای فراملیتی مشغول به کار بوده‌اند.

برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تاسیس یا گسترش مناطق عملیاتی صادرات (۱) یکی از جنبه‌های مهم به کارگیری سرمایه‌گذاری خارجی در ایجاد اشتغال است. در سال ۱۹۹۴، ۲۰۰ منطقه در ۶۰ کشور در حال توسعه، در حدود ۴ میلیون نفر شغل ایجاد کرده‌اند و تنها در کشور چین در سال ۹۰، ۲ میلیون نفر در این مناطق به کار مشغول بوده‌اند.

اشتغال غیرمستقیم ایجاد شده توسط شرکتهای فراملیتی از طریق پیوندهای روبه عقب و رو به جلو، نیز برای کشورهای در حال توسعه از اهمیت بالایی برخوردار است.

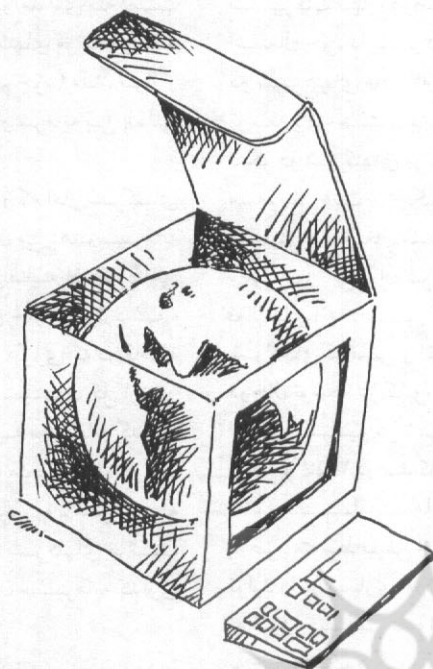
تعداد زیادی از شرکتهای فراملیتی بخش ساخت کالا را از بخشهای تحقیق و توسعه و بازاریابی جدا کرده‌اند و این روند موجب تقسیم عمیق تر نیروی کار و کاهش درجه ادغام عمودی در داخل این شرکتها شده است. به تدریج این شرکتها بر روی قسمتهای کوچکتری از زنجیره ارزش متمرکز شده‌اند و به طور فزاینده‌ای به برون‌سپاری روی آورده‌اند. بنابراین، بسیاری از پتانسیل‌های این

شرکتها برای ایجاد اشتغال از طریق قراردادهای پیمانکاری به کشورهای دیگر به خصوص کشورهای در حال توسعه انتقال یافته است. این قراردادهای به خصوص در صنایع پوشاک و کفش بسیار مرسوم است. به عنوان نمونه، شرکت آمریکایی نایک (NIKE) با فروش ۴ میلیارد دلار (۲) در سال ۹۳، ۱۰۰ درصد تولید خود را توسط پیمانکاران انجام داده است. نیروی کار این شرکت در سال ۹۴، ۹۰۰۰ نفر بوده است، در حالی که نزدیک به ۷۵۰۰۰ نفر در شرکتهای مستقل پیمانکار این شرکت در کشورهای مختلف به کار مشغول بوده‌اند. محل پیمانکاران این شرکت هم با گذشت زمان تغییر کرده است و تامین کنندگان اصلی این شرکت در ژاپن، آمریکا و انگلیس، جای خود را به پیمانکاران چینی، کره‌ای، مالزیایی، تایوانی و تایلندی داده‌اند.

### کیفیت اشتغال

علاوه بر کمیت اشتغال، کیفیت اشتغال ایجاد شده توسط شرکتهای فراملیتی معمولاً مورد توجه سیاستگذاران کشورهاست و دولت‌ها در حال رقابت شدیدی برای جذب سرمایه شرکتهای فراملیتی برای فعالیتهایی که شغل‌های با درآمد بالا و مهارت بالا ایجاد کنند، هستند.

شواهد نشان می‌دهد شرکتهای فراملیتی معمولاً شرایط بهتری برای شاغلان خود در مقایسه با شرکتهای داخلی ایجاد می‌کنند. تمرکز شرکتهای فراملیتی بر روی فعالیتهای مهارت، فناوری و سرمایه - بر، و همچنین استفاده از تکنیک‌های برتر مدیریتی و سازماندهی به همراه افزایش اهمیت کیفیت و مهارت در خلق مزیت‌های رقابتی، در مجموع شرایط و فرصتهای بهتری را برای کارکنان ایجاد کرده است. به همین دلیل آن‌طور که تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد، نیروی کار در شرکتهای مرتبط از دستمزد بیشتر و امنیت بالاتر کاری و اجتماعی نسبت به شرکتهای داخلی برخوردار است. ضمن آنکه متوسط بهره‌وری هر فرد (ارزش افزوده به ازای هر نفر) در این شرکتها بیشتر است. به عنوان نمونه، شرکتهای مرتبط با شرکتهای فراملیتی در ایالات متحده به طور متوسط ۳۰ درصد بیشتر از شرکتهای داخلی به نیروی کار خود دستمزد می‌پردازند. (۳) تحقیقات انجام



گرفته در مورد برخی از کشورهای آسیای شرقی مانند هنگ کنگ، مالزی و سنگاپور نیز یافته های فوق را تایید می کند.

نقش شرکتهای فراملیتی در افزایش رقابت پذیری صادرات کشورهای در حال توسعه: از لحاظ فناوریانه، مفهوم رقابت پذیری در صادرات به سرعت در حال تغییر است و این مسئله با توجه به تغییر الگوی تجارت در جهان قابل توضیح است.

بناگاهمی به روند تجارت جهانی در دهه های اخیر، مشاهده می کنیم که سهم تجارت مواد اولیه و محصولات متکی بر منابع طبیعی در جهان روبه کاهش بوده است و از حدود ۵۰ درصد در سال ۱۹۸۴ به ۲۸ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است. در عوض سهم محصولات غیرمتکی بر منابع طبیعی روبه افزایش گذاشته و در این میان محصولات با فناوری بالا بیشترین رشد را در دو دهه اخیر داشته است.

هم اکنون نیز محصولات با فناوری بالا و متوسط، بیشترین سهم را در تجارت جهانی دارا هستند. اما بحث فوق چه مفهومی برای رقابت پذیری در صادرات می تواند داشته باشد؟

بازار محصولاتی که از نظر فناوری پیچیده هستند، بیشتر از دیگر محصولات رشد می کند. بنابراین، در صورتی که کشوری بتواند جایگاه قابل رقابتی را در این محصولات برای خود به وجود بیاورد، در حفظ و رشد صادرات خود توانا تر خواهد بود.

اما چرا کشورهای جهان برای افزایش رقابت پذیری صادرات خود از شرکتهای فراملیتی بهره می گیرند؟

علاوه بر برتری فناوریانه شرکتهای فراملیتی نسبت به شرکتهای داخلی از جایگاه بهتری برای ارتقای منابع، مهارتها و شایستگیها به سطح کلاس جهانی برخوردارند. فایده آمدن بر هزینه های بازاریابی در خارج، تامین اطلاعات لازم، نام تجاری و دیگر سرمایه های مورد نیاز برای ایجاد فعالیتهای صادراتی، از دیگر مزایای آنها به شمار می رود. در عین حال آنها سریعتر می توانند خود را با تغییرات فناوری و نیازهای بازار تطبیق دهند.

داده های آماری نیز نقش شرکتهای فراملیتی را در افزایش فعالیتهای صادرات گرا

می توان گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات دانست که با افزایش قابلیت تجارت خدمات، سهم این بخش را در تجارت جهانی افزایش خواهد داد و تولیدکننده این سهم اضافی کشورهای در حال توسعه خواهند بود.

بنابراین، جذب سرمایه گذاری خارجی صادرات گرا در این بخش می تواند فرصتهای خوبی را برای توسعه کشورهای جهان سوم فراهم آورد.

صنعت نرم افزار در هند (۳ و ۴): نرم افزار و خدمات مربوطه رشد سریعی در میان صادرات هند داشته است. صادرات این صنعت در دوره ۲۰۰۲ - ۱۹۸۸ به طور متوسط هر سال ۴۰ درصد رشد کرده و از ۷۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ به ۷۶۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ رسیده است. صنعت نرم افزار هند در سال ۲۰۰۱، ۵ درصد کل صادرات هند را تشکیل داده و برای ۵ میلیون نفر اشتغال ایجاد کرده است. سرمایه دریافت شده توسط این صنعت نیز بالغ بر ۱/۶ میلیارد بوده است.

در سال ۱۹۸۵، CITIBANK شرکت نرم افزاری صادرات گرای با مالکیت کامل در مناطق عملیاتی صادرات سانتاکروز در بمبئی تاسیس کرد که موجب رشد فراوانی در صنعت نرم افزار هند در مراحل اولیه شد. در ابتدا، مقدار زیادی از سرمایه گذاری خارجی جذب

به وضوح مشخص می کند. تحلیل آماری که در سال ۱۹۹۵ در مورد رابطه سرمایه گذاری خارجی با صادرات ۵۲ کشور جهان صورت گرفت رابطه قویاً مثبتی را بین سرمایه گذاری خارجی ورودی و کارایی صادرات و همچنین سطح فناوری محصولات صادر شده نشان می دهد. این رابطه برای کشورهای در حال توسعه قویتر از کشورهای توسعه یافته است. مطالعات دیگری نیز نشان داده است که شرکتهای مرتبط در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، فعالیتهای صادرات گرای بیشتری از شرکتهای داخلی این کشورها داشته اند.

در ادامه، با بررسی دو مورد کاوی، نقش شرکتهای فراملیتی در افزایش رقابت پذیری صادرات در دو بخش خدمات و تولید در کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه قرار گرفته است.

بخش خدمات: تولید ناخالص داخلی کشورهای توسعه یافته مربوط به بخش خدمات است، در حالی که این رقم برای کشورهای در حال توسعه کمی بیش از ۵۰ درصد است. پیش بینی می شود در سالهای آینده در کشورهای در حال توسعه، سهم بیشتری از تولید ناخالص داخلی به بخش خدمات اختصاص یابد. دلیل این امر را

فعالیت‌های سطح پایین نرم افزاری می‌شد. به این معنی که در بسیاری از قراردادهای مشتری مشخصات دقیق را به برنامه نویس می‌داد و او کمترین قدرت خلاقیت را در نوشتن برنامه داشت. در این مرحله، فعالیت‌های صادرات گرا نتوانست در افزایش مهارت نیروی انسانی نقش موثری بگذارد.

توسعه و بازسازی این صنعت با ورود شرکت (TEXAS INSTRUMENTS) TI و باز شدن اولین شعبه آن در سال ۱۹۸۶ آغاز شد. سرمایه گذاری های TI و HP - که ۳ سال بعد اولین شعبه خود را در بنگلور تاسیس کرد - و همچنین حمایت‌های دولت با ایجاد پارک‌های فناوری نرم افزار در این کشور توانست صنعت نرم افزار را متحول سازد. پس از آن به تدریج بسیاری از شرکت‌های داخلی که سابقاً کارهای سطح پایین را انجام می‌دادند، توانستند خود را توسعه دهند و به شهرت و کیفیت بالا در کار خود دست یابند.

هم اکنون ۵ شرکت بزرگ نرم افزاری هند داخلی هستند و شرکت‌های مرتبط تنها ۱۹ درصد صادرات نرم افزار را انجام می‌دهند؛ به این ترتیب شرکت‌های فراملیتی نقش مهمی را در پیشرفت توانایی‌های داخلی در مراحل اولیه ایفا کردند.

بخش تولید: بیشترین سهم سرمایه گذاری در فعالیت‌های صادرات گرای کشورهای در حال توسعه، در بخش تولید است و این سهم، به خصوص در چین، در حال افزایش است در حالی که در کشورهای توسعه یافته تغییر محسوسی نداشته است.

نقش شرکت‌های فراملیتی در این بخش از دو جنبه قابل بررسی است: وجه اول شامل واگذاری عملیات مختلف تولید (مانند مونتاژ) به کشور میزبان با هدف بازارهای جهانی است و این عمل گاهی در قالب دادن امتیاز تولید یک محصول به شرکت‌های مرتبط خارجی انجام می‌شود.

جنبه دوم، نقش شرکت‌های مرتبط در بین المللی شده شرکت‌های داخلی، به عنوان تامین کنندگان شرکت‌های مرتبط، از طریق صادرات و سرمایه گذاری خارجی خروجی است، که رقابت پذیری بیشتر شرکت‌های داخلی را موجب می‌گردد.

تأثیرات شرکت‌های مرتبط خارجی بر

کمپانی‌های داخلی را می‌توان به دو گروه مستقیم و غیرمستقیم طبقه بندی کرد:

تأثیرات مستقیم به طور عمده در سایه تشکیل پیوندهای روبه عقب است که بین شرکت‌های مرتبط و شرکت‌های محلی به وجود می‌آید. در این صورت شرکت‌های محلی با تبدیل شدن به تامین کنندگان شرکت‌های مرتبط و دسترسی به دانش و اطلاعات آنها در زمینه شرایط طراحی، بسته بندی و کیفیت محصول در بازارهای بین المللی، می‌توانند در مسیر تبدیل به شرکت‌های جهانی با نام تجاری خودشان گام بردارند.

اما تأثیرات غیرمستقیم شرکت‌های مرتبط بر افزایش توان رقابتی شرکت‌های محلی، شامل بهبود زیرساخت‌ها یا کاهش موانع تجاری است که معمولاً با تقاضای این شرکت‌های در کشور میزبان ایجاد می‌گردد. همچنین هنگامی که شرکت‌های محلی اقدام به الگوبرداری از شرکت‌های مرتبط در عملیات تولید کنند یا از نیروی انسانی آموزش دیده این شرکت‌ها استفاده کنند، به طور غیرمستقیم از حضور شرکت‌های مرتبط خارجی سود برده‌اند.

صنعت خودروی مکزیکی (۴): مکزیکی در سال ۱۹۹۳ به عضویت منطقه آزاد آمریکای شمالی (نفتا) درآمد و این قرارداد منطقه ای محرکی برای شرکت‌های فراملیتی برای ورود به صنعت خودروی این کشور شد. شرکت‌های بزرگ اتومبیل سازی توانستند صنعت خودروی مکزیکی را که به علت تولید برای داخل، وجود مقررات برای منع واردات و کنترل قیمت‌ها توان رقابتی کمی برای صادرات داشت، به صنعتی با سطح فناوری و بازاریابی بالاتر و قابل رقابت در سطح جهانی تبدیل کنند.

با جذب سرمایه گذاری خارجی حدود ۱۰ میلیارد دلار، ابتدا در ایجاد کارخانجات موتورهای پیشرفته و سپس در کارخانجات ساخت اتومبیل های جدید، این صنعت کاملاً متحول شد و به مهمترین صنعت مکزیکی بدل گردید. صادرات خودروی مکزیکی در بین سالهای ۱۹۹۷ - ۱۹۹۰، ۶/۱ برابر افزایش یافت و از ۴/۵ میلیارد دلار به ۲۰/۸ میلیارد دلار رسید که بیش از ۹۰ درصد آن صادرات به شمال آمریکا است.

این تحولات همچنین پیشرفت‌های چشمگیری را برای صنایع قطعه سازی مکزیکی

(که در مجموعه بزرگ MAQUILADORA (۴) فعالیت می‌کند) به همراه داشته است. چنانچه صنایع قطعه سازی مکزیکی در سیستم تولید شرکت‌های فورد، جنرال موتورز و دایملر - کرایسلر ادغام شده است و این شرکت‌ها از امکانات MAQUILADORA برای قطعه سازی بهره می‌برند. این امر موجبات رشد صادرات بی سابقه قطعه از مکزیکی را باعث شده است.

### نتیجه گیری

در این بخش با توجه به مطالب بیان شده، به چند نمونه از سیاست‌هایی را که کشورمان می‌تواند برای جذب بیشتر سرمایه گذاری خارجی و بهره گیری از شرکت‌های فراملیتی برای توسعه پایدار اتخاذ کند، اشاره می‌گردد. این سیاست‌ها در دو بخش افزایش رقابت پذیری صادرات و توسعه کمی و کیفی اشتغال ارائه شده است:

الف) افزایش رقابت پذیری صادرات: روند روبه رشد آزادسازی اقتصاد و نزدیک شدن زمان پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی (WTO)، در عین حال عقب ماندگی صنایع کشورمان از فناوری روز دنیا که به تدریج طبق تحلیل‌های ذکر شده در بخش «مفهوم جدید رقابت پذیری صادرات» می‌تواند کاهش سهم صادرات کشور در جهان را به همراه داشته باشد و همچنین تنگتر شدن عرصه رقابت به علت حضور کشورهای تولیدکننده محصولات ارزان تر، لزوم همکاری با شرکت‌های فراملیتی و جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی را به منظور تولید محصولات قابل رقابت در سطح جهان گوشزد می‌کند. به این منظور و برای جذب سرمایه ای که به پیشرفت صنایع کشورمان و در عین حال توسعه صادرات منجر شود، باید به سوالات زیر به نحوی مناسب پاسخ داد:

- چگونه می‌توان شرایط سرمایه گذاری را بهبود بخشید و سرمایه گذاری خارجی بیشتری را در بخش تولید جذب کرد؟

- چگونه می‌توان برای بهبود فعالیت‌های با فناوری پایین که رقابت پذیری خود را از دست داده اند، سرمایه جذب کرد و به عنوان گام اول در توسعه صنایع، آنها را رقابت پذیر ساخت؟

- چه اقداماتی برای ارتقای بنگاه‌های کوچک و متوسط و شرکت دادن آنها در فعالیت‌های

صادرات گرامی توان انجام داد؟  
 - شرکتهای فراملیتی چگونه می توانند در جهت بازسازی صنایع داخلی نقش آفرینی کنند؟  
 درعین حال باید توجه داشت که امروزه برای جذب سرمایه گذاری خارجی داشتن فاکتورهای ارزان تولید (نیروی کار و منابع طبیعی) کافی نیست، بلکه برای رقابت پذیری بلندمدت و جذب فناوریهای جدید، باید فاکتورهای ویژه تولید را بهبود بخشید تا بتوان شرکتهای فراملیتی را برای انتقال فناوری به صنایع داخلی تشویق کرد. این فاکتورها شامل داشتن نیروی انسانی با درصد بالای تحصیلات در زمینه مهندسی، علوم پایه و بازرگانی و همچنین زیرساختها و شبکه های صنعتی برای ارائه خدمات مختلف تکمیلی و پشتیبانی به این شرکتهاست. (۱۰) اما به عنوان چند راهکار عملی می توان به موارد زیر اشاره کرد:  
 - تشکیل آژانس های... برای هدایت سرمایه گذاری به سمت ایجاد فعالیتهای صادرات گرا؛

- ایجاد بانک اطلاعاتی از صنایعی که دارای پتانسیل لازم برای صادرات هستند؛  
 - کلیه فعالیتهایی که به وسیله آنها بتوان سرمایه گذاری را در صنایعی جذب کرد که یا دارای مزایای نسبی یا رقابتی در کشورمان هستند و یا رشد صادرات محصول آنها از رشد صادرات آن محصول در جهان بیشتر است.  
 ب) توسعه کمی و کیفی اشتغال: چنانکه گفته شد، سرمایه گذاری شرکتهای فراملیتی می تواند بهبود شاخصهای اشتغال را به همراه داشته باشد. اگرچه اشتغال مستقیم به وسیله شرکتهای فراملیتی قابل توجه نیست، ولی این شرکتهای از طریق اشتغال غیرمستقیم و همچنین ایجاد مناطق عملیاتی صادرات و سرمایه گذاری در آنها، فرصتهای زیادی را می توانند برای ایجاد اشتغال در کشور به همراه داشته باشند. اتخاذ سیاستهای مناسب نیز می تواند این فرصتها را بیشتر کند:  
 - جذب سرمایه گذاری خارجی با هدف سرمایه گذاری روی صنایع کاربر مانند صنایع خدماتی.  
 - ایجاد پارک های صنعتی با خدمات و امکانات زیربنایی با کیفیت و در دسترس شرکتهای به منظور افزایش انگیزه شرکتهای فراملیتی برای سرمایه گذاری.

### علی رغم سهم قابل توجه شرکتهای فراملیتی در تولید کالا این شرکتهای تنها سه درصد نیروی کار جهان را در اشتغال خود دارند.

جذب سرمایه گذاری خارجی صادرات گرامی تواند فرصتهای خوبی را برای توسعه کشورهای جهان سوم فراهم آورد.

۴ - طیفی از شرکتهای مونتاژکننده برای صادرات که متعلق به مکزیک، ژاپن و آمریکا هستند. این صنایع در سال ۱۹۶۰ به وجود آمدند و هم اکنون بیش از یک میلیون نفر در آن شاغل هستند. (۹)

#### منابع:

- ۱ - دکتر محمدمهدی بهکیش، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، ۱۳۸۰
- ۲ - سعید رهنما، شرکتهای چندملیتی و کشورهای توسعه نیافته، ۱۳۵۷

- 3 - WORLD INVESTMENT REPORT 2002, TRANSNATIONAL CORPORATIONS AND EXPORT COMPETITIVENESS. UNCTAD PUBLICATION.
- 4 - WORLD INVESTMENT REPORT 1999, FDI AND THE CHALLENGE OF DEVELOPMENT. UNCTAD PUBLICATION.
- 5 - WORLD INVESTMENT REPORT 1994, TRANSNATIONAL CORPORATIONS EMPLOYMENT AND THE WORKPLACE. UNCTAD PUBLICATION.
- 6 - THE ROLE OF TNCs IN THE WORLD TRADE SYSTEM. www.toei.org/trade/activist/guide/tnc.htm.
- 7 - ARE TRANSNATIONALS BIGGER THAN COUNTRIES? UNCTAD PRESS RELEASE 12 AUGUST 2002. <http://www.unctad.org/en/press/pressef.htm>.
- 8 - NIKE, INC. ELEVEN YEAR FINANCIAL HISTORY [http://www.nike.com/nikebiz/invest/pdf/11\\_yr\\_02.xls](http://www.nike.com/nikebiz/invest/pdf/11_yr_02.xls).
- 9 - BRITANNICA ENCYCLOPEDIA 2003.
- 10 - ENHANCING THE COMPETITIVENESS OF SMEs THROUGH LINKAGES UNCTAD, COMMISSION OF ENTERPRISE, BUSINESS FACILITATION AND DEVELOPMENT (EXPERT MEETING ON RELATIONSHIP BETWEEN SMEs AND TNCs).

- ایجاد مناطق عملیاتی صادرات و سیاستهای مناسب دیگر که می تواند به ایجاد اشتغال بیشتر توسط شرکتهای فراملیتی بینجامد.

صرفنظر از مسائلی کمی، کیفیت اشتغال در شرکتهای فراملیتی که با فاکتورهایی چون دستمزد بالاتر، بازدهی بیشتر کار و اتکا، بیشتر بر مهارت و دانش قابل سنجش است، می تواند به عنوان راه حلی برای مسئله فرار مغزها که امروزه به عنوان یک معضل اجتماعی مطرح است، مورد توجه قرار گیرد. این شرکتهای می توانند با فراهم آوردن محیط کار بهتر و حتی سرمایه گذاری بر روی بخشهای تحقیق و توسعه بسیاری از این نیروها را جذب کنند و خروج آنها را از کشور کاهش دهند. □

#### پی نوشتها:

- ۱ - مناطق عملیاتی صادرات مناطق آزادی هستند که در آنها امکان تأسیس شرکتهای از سراسر دنیا با هدف تولید کالا و خدمات برای صادرات فراهم شده است. برای این شرکتهای امکانات مختلفی از تاسیسات زیربنایی تا خدمات مشاوره ای فراهم گردیده تا بتوانند به رقابت پذیری بالا در عرضه کالا و خدمات خود در بازارهای جهانی دست یابند.
- ۲ - فروش این شرکت در سال ۲۰۰۲، ۹/۹ میلیارد دلار بوده است.
- ۳ - آمار مربوط به سال ۱۹۹۴ است.